



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عرض کردیم سهام مقدر فی کتاب الله شش سهم هستند که در آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶ از سوره نساء برای وراث ذکر شده اند:

(۱): نصف  $\frac{1}{2}$ ، (۲): ربع  $\frac{1}{4}$ ، (۳): ثمن  $\frac{1}{8}$ ، (۴): ثلثان  $\frac{2}{3}$ ، (۵): ثلث  $\frac{1}{3}$ ، (۶): سدس  $\frac{1}{6}$ .

باید توجه داشته باشیم که موقع در نظر گرفتن سهام مذکور گاهی کم می آید و گاهی زیاد می آید و گاهی نیز مساوی است و از طرفی نیز باید توجه داشته باشیم که گاهی طوائف مختلفند یعنی یا یکی وجود دارد یا دوتا وجود دارد یا بیشتر خلاصه صور مختلفی در اینجا بوجود می آید لذا ما باید تسلط زیادی به سهام و حساب داشته باشیم تا تمام صور برای ما روشن بشوند.

مطلب اول اینکه نصف متعلق به چهار طائفه می باشد؛ اول زوج در صورتی که زوجه ولد نداشته باشد، دوم بنت واحده در صورتی که فرزند دیگری نباشد، سوم أخت أبوینی و چهارم اگر أخت أبوینی نبود أخت أبی.

مطلب دوم اینکه ربع برای دو طائفه است؛ اول شوهر در صورتی که زنش فرزند داشته باشد و دوم زن در صورتی که شوهر فرزند نداشته باشد.

مطلب سوم اینکه ثمن متعلق به یک طائفه است و آن زوجه در صورتی که زوج فرزند داشته باشد چه فرزند مع الواسطه و چه فرزند بلاواسطه.

از جمله کتابهایی که باید مطالعه بفرمائید جلد ۱۹ مستند الشیعة مرحوم نراقی می باشد، ایشان در آنجا فرموده گاهی ممکن است هشت زن به مقدار ثمن ارث ببرند! به این صورت که اگر کسی در حالت مرضی چهار زن دائمی که داشته طلاق بدهد و بعد در ایام عده آنها چهار زن دیگر

بگیرد (گاهی ممکن است مردی که مریض هم هست برای اینکه زنش را از ارث محروم کند او را طلاق بدهد و از طرفی برای اینکه از مالش به فرزندانش کمتر داده شود زن دیگری بگیرد) شارع مقدس در اینجا فرموده فقط در صورتی که چنین شخصی قدرت بر وطی داشته باشد و وطی کند به زنهائی که بعدا گرفته نیز ارث می رسد اما اگر قدرت بر وطی نداشت و وطی نکرد به آن چهار زنی که بعدا گرفته ارث نمی رسد، علی ای حال مرحوم نراقی وجود هشت زن به ترتیبی که بیان شد را فرض کرده و فرموده در فرض مذکور تمام هشت زن به مقدر یک هشتم ارث می برند.

مطلب چهارم اینکه ثلثان متعلق به سه طائفه است؛ اول بنتین فصاعداً یعنی میت پسر ندارد بلکه دو دختر یا بیشتر از دوتا دارد، دوم أختین أبوینی فصاعداً و سوم اگر أختین أبوینی نبودند أختین أبی جانشین آنها می شوند.

مطلب پنجم اینکه ثلث متعلق به دو طائفه می باشد؛ اول مادر در صورتی که میت فرزند نداشته باشد یک سوم ارث می برد و دوم کلاله أمی یعنی خواهر و برادران أمی نیز یک سوم ارث می برند.

مطلب ششم اینکه سدس متعلق به دو طائفه می باشد؛ اول پدر و مادر در صورتی که میت فرزند داشته باشد و دوم مادر در صورتی که میت برادرانی داشته باشد.

خب و اما اینها سهامی بودند که در قران ذکر شده اند منتهی در اینجا فرضی بوجود می آید؛ اول همین فرضی که قران بیان کرده و دیگر بستگان و اقوامی بیشتر از این ندارد که خب مسلماً چونکه یک نفر است اضافه خواهد آمد که حالا باید ببینیم که آن مقدار اضافه به چه کسی می رسد، دوم اینکه فرض بر یک نفر نیست بلکه متعدد می باشند که این سه صورت پیدا می کند؛ اول تعدد دقیقاً به اندازه سهام است، دوم تعدد بیشتر از سهام است که در

ششم از ۱۲ تا که می شود ۲ تا متعلق به أخت أمی است و ربع از ۱۲ تا که می شود ۳ تا متعلق به زوجه می باشد که خب در این صورت یک سهم اضافه می آید.

صورت دوم:  $\frac{1}{2}$ ،  $\frac{1}{6}$ ،  $\frac{1}{6}$ ، خب ۶ در ۲ متداخل است لذا مال به ۶ قسمت تقسیم می شود که سه ششم یعنی نصف متعلق به بنت واحده است و یک ششم متعلق به پدر و یک ششم نیز متعلق به مادر است، خب در اینجا یک ششم اضافه می آید که در اینصورت این مقدار اضافه نیز به همان نسبت بین خودشان تقسیم می شود یعنی باقیمانده به پنج قسمت تقسیم می شود و در اصلش یعنی شش ضرب می شود و نتیجه می شود ۳۰ که از این مقدار ۱۵ قسمتش متعلق به بنت واحده است و یک ششم از ۳۰ تا یعنی ۵ تا متعلق به مادر و ۵ تا هم متعلق به پدر است که می شود ۲۵ تا و پنجتای باقیمانده اخاساً تقسیم می شوند یعنی یک پنجم به مادر و یک پنجم به پدر و سه پنجم به بنت واحده تعلق می گیرد.

بعدا بیشتر بحث خواهیم کرد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آلہ الطاهیرین

اینصورت کم می آید و سوم اینکه تعدد کمتر از سهام است که در اینصورت زیاد می آید.

برای روشن شدن مطلب چند مثال بیان می کنیم، مرحوم نراقی در مستند الشیعة چند صورت را فرض کرده که می خوانیم تا کم کم مطلب روشن شود، ایشان فرموده:

«وأما الجائز من أقسام الثلاثي وهي خمسة وخمسون بعد حذف المكررات من مائتين وستة عشر التي هي حاصل ضرب الستة في الستة والثلاثين سبعة:

۱. اجتماع النصف والربع والسدس ، كزوجة (ربع) وأخت لأب (نصف) وأخت لأم (سدس).
۲. النصف والسدس والسدس ، كبنت (نصف) وأم وأب.
۳. النصف والسدس والثلث ، كبنت وأحد الأبوين وزوجة.
۴. الثلثين والسدس والسدس ، كبنتين وأب وأم.
۵. الثلثين والسدس والثلث ، كبنتين وأحد الأبوين وزوجة.
۶. الربع والسدس والسدس ، كزوج وأب وأم مع الولد.
۷. السدس والسدس والثلث ، كأب وأم وزوجة مع الولد. والممتنع منها ثمانية وأربعون»<sup>۱</sup>.

صورت اول:  $\frac{1}{2}$ ،  $\frac{1}{4}$ ،  $\frac{1}{6}$ ، وقتی مخرج ها را در نظر می گیریم چون ۲ در ۴ متداخل هست کنار می رود و ۴ و ۶ باقی می ماند که با هم متوافق هستند زیرا هر دو بر یک عددی قابل قسمت هستند که در اینجا این دو عدد متوافق یعنی ۴ و ۶ تقسیم می شوند و خارج قسمت در دیگری ضرب می شود بنابراین ۴ تقسیم بر ۲ می شود و خارج قسمت که ۲ است ضرب در ۶ که نتیجه می شود ۱۲ و یا ۶ را بر ۲ تقسیم می کنیم و خارج قسمت که ۳ است ضرب در ۴ می کنیم و نتیجه می شود ۱۲، حالا نصف از این ۱۲ یعنی ۶ تا متعلق به أخت أبي است و یک

<sup>۱</sup> مستند الشیعة، مرحوم نراقی، ج ۱۹، ص ۱۳۹.